دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت
دوره اول، شماره اول، بهار ۹۳، صفحه: ۹-۷

Islam and Health Journal
Babol University of Medical Sciences

پیام حضرت آیت الله جوادی آملی به همایش قرآن‌پژوهی «شفای پایدار»

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ربّ العالمین و الصلاةُ و السلام علی جمیع الأنبیاء و المرسلین سیّما خاتم الأنبیاء و خاتم الأوصیاء(علیهما آلاف التحیّةُ و الثناء) بهم نتولّی[1] و مِن أعدائهم نتبرّیءُ إلی الله.

مقدم حضار بزرگوار و مهمانان گرانقدر این کنگره عظیم را ارج می‌نهیم و از بنیان‌گزاران این کنگره وزین حق‌شناسی می‌کنیم و از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم که کسانی که با ارائه مقال یا مقالت به این کنگره خدمت دینی و علمی کردند به احسن وجه بپذیرد و توفیق برگزارکنندگان این کنگره وزین را روزافزون کند!

آنچه در محور قرآن‌پژوهی و سلامت مطرح است عبارت از آن است که قرآن عناصر چهارگانه را کاملاً در نظر دارد و سلامت آنها را تأمین می‌کند یکی بدن انسان است و دیگری جان انسان، سوم بدنه جامعه اسلامی و چهارم حکومت اسلامی و جان آن جامعه است. قرآن خاصیّتش این است که انسانیّتِ انسان را به او تفهیم می‌کند تا خود را از مرز حیوان جدا بداند وقتی خود را از مرز حیوان جدا دانست فکر می‌کند که هم باید بدن خود را سالم نگه بدارد و هم روح خود را که یک موجود ملکوتی است گاهی این قفس طبیعت را ترک می‌کند و از بدن فاصله می‌گیرد. همچنین آثار پژوهش قرآن این است که بدنه جامعه را سالم نگه می‌دارد و جان جامعه را که حکومت است و نظام است سالم نگه می‌دارد.

طب کف دانش های بشری است بشر دانش های فراوانی دارد که کفی دارد و میانه‌ای و سقفی و بامی، حوزه نفوذ طب فقط همین بدن است و بس! همین که در تالار تشریح قطعه قطعه می‌شوند بعد هم در سردخانه می‌ماند بعد هم به گور می‌افتد و دیگر هیچ! اما آن مرغ باغ ملکوتی که انسان قفس طبیعت را می‌شکند و پرواز می‌کند آن در قلمرو طب نیست چون طب کاری با روح ندارد لذا وقتی از طبیب بپرسید این شخص منافق قلبش مریض است یا نه؟ می‌گوید من آزمایش کردم فشار سنجیدم درجات نبض را ارزیابی کردم این قلبش سالم است ولی محصول قرآن‌پژوهی این است که (فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ) این در اختیار طب نیست این طبّ روحانی است آن کسی که بداندیش است و نیّت پاک ندارد در فرهنگ قرآن قلبش مریض است ولی طب از تشخیص چنین بیماری ناتوان است یعنی حوزه دید او نیست. اگر از طب سؤال بکنید آن کسی که به نامحرم نگاه نامحرمانه می‌کند سالم است یا نه؟ او با فشارسنج و دماسنج و اینها بررسی می‌کند می‌بیند که این شخص مرضی ندارد ولی محصول قرآن‌پژوهی برابر آیات سوره مبارکه احزاب این است که به زنها دستور می‌دهد صدایشان را رقیق نکنند (فَلاَ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً) آن قدر مردی که قلبش مریض است نگاه نامحرمانه دارد و طمع نامحرمانه، طمع به نامحرم مرض است این مرض از حوزه تشخیص طب بیرون است.

اینکه شما می‌بینید بسیاری از موارد همایش های مشترکی برای تشخیص بیماری های انسان و دام ها برگزار می‌کنند همین است که بسیاری از پزشکان ما دامپزشک‌اند و نه طبیب چون فقط بدن را درمان می‌کنند این بیماری های بدن در دام هم هست اینکه می‌بینید این گونه از همایش ها بررسی می‌شود و پاسخ مثبت می‌دهد برای اینکه آن طبیب در حقیقت دامپزشک است نه پزشک، چرا؟ چون اگر پزشک بود می‌توانست تشخیص بدهد که منافق قلبش مریض است کافر قلبش مریض است می‌توانست تشخیص بدهد که کسی که نگاه نامحرمانه به اجنبیه دارد این قلبش مریض است. قرآن‌پژوهی برای آن است که پزشکی را از دامپزشکی جدا کند و طبیب را از دامپزشک ممتاز کند دست او را بگیرد بالا بیاورد بگوید آنچه را که شما در دوران تحصیلتان آموختید این کف دانش شماست. شما اولاً خود را باید بشناسید که انسان با مردن نمی‌پوسد از پوست به در می‌آید باید بدانید آن طرف آب چه خبر است بعد از مرگ چه خبر است این در قلمرو طب نیست. خاصیّت قرآن‌پژوهی آن است که اولاً طبیب را از دامپزشک جدا می‌کند او را به مرز طبّ روحانی می‌رساند وقتی به مرز طبّ روحانی رسید بینش او عوض می‌شود، دانش او عوض می‌شود، درمان او هم عوض می‌شود.

مطلب بعدی آن است که بسیاری از مردم یا نمی‌دانند که حقیقت انسان را روح او تأمین می‌کند یا اگر هم بدانند که انسان مرکّب از روح و بدن است روح را ابزار بدن قرار می‌دهند یعنی تمام دانشها و هوشیاریها و درسها و بحثهایی که انجام دادند آن را در خدمت بدن قرار می‌دهند که چه کنیم که راحت زندگی کنیم یعنی

[Downloaded from iahj.ir on 2024-04-26]

آن حکیم را به رُفت‌وروی منزل دعوت می‌کنند اگر کسی استادی دارد حکیم است فقیه است دانشمند است او را وادار کند که رفتگری منزل را به عهده بگیرد او را وادار کند مجبور کند، او این کار را می‌کند اما خب حیف است! روح ما یک قدرت ملکوتی دارد ما تمام دانش ها و سرمایه‌های روحانی روح را در خدمت بدن قرار بدهیم که چه کار کنیم که خوب غذا بخوریم، خوب بیاراییم، خوب خرّم زندگی کنیم، خوب بخوابیم و دیگر هیچ! این استخدام یک استاد است در حدّ یک رفتگر و این روا نیست و اگر بدن را و روح را در جای خود قرار دادیم این بدن را در تدبیر روح قرار می‌دهیم که چگونه این بدن را بیاراید و بپروراند آن‌گاه محصول قرآن‌پژوهی دو کار خواهد بود: یکی اینکه آن را مدیر قرار می‌دهد و این بدن را تحت تدبیر او، دوم اینکه سلامت بدن را در این می‌داند که در خدمت او باشد و به او آسیب نرساند. الآن بسیاری از شماها که با درمان بیماران رابطه دارید مستحضرید که اکثر بیماریهای ما گوارشی است یعنی در اثر بدخوری و پرخوری البته تصادفات هست، ایست قلبی هست، بیماریهای دیگر هست ولی اکثر بیماریها مربوط به گوارش است یعنی یا پرخوری و یا بدخوری. محصول قرآن‌پژوهی این است که جامعه بداند تا گرسنه نشود کنار سفره ننشیند وقتی هم که مقداری مانده سیر بشود دست از غذا بردارد چنین انسانی اکثر مواقع سالم است. آن‌گاه روح فرصت پیدا می‌کند که بیاندیشد اما اگر پرخوری شد و بدخوری شد روح از دو منظر آسیب می‌بیند: یکی اینکه فراغت فکر ندارد بالأخره ابزار خود را باید حفظ کند تمام فرصت روح صرف نگهداری و هضم این غذایی که خورده است. دوم اینکه یک انسان پرخور و بدخور هرگز خردمدار نمی‌شود، خوش‌استعداد نمی‌شود. در اسلام آمده است که غذای روی سیری استعداد و هوش را کم می‌کند تمام تلاش و کوشش این روح مظلوم آن است که این غذا را هضم بکند و تحویل دستشویی بدهد. یک بیان نورانی امیرمؤمنان علی‌بن‌ابی‌طالب(سلام الله علیه) دارد که بعضی از مسئولان حکومت حاکم سوم را بررسی می‌کند آن طوری که در نهج‌البلاغه آمده فرمود این گونه از مسئولان محصول کارشان بین نَسیل و معتلف بود معتلف یعنی چراگاه که علف می‌خورند نَسیل ـ جسارت است ـ آنجا که مدفوع می‌ریزند یک شتر کارش همین است دیگر یعنی از چراگاه بچرد و مدفوعش را دفع کند. محصول زندگی برخی ها بین آشپزخانه و دستشویی است همین و طب هم در همین محدوده کار می‌کند ولی اگر از این کف بالا بیاید خود طبیب می‌شود انسان سالم تا تشخیص نداد دست به قلم نمی‌کند آن هنر را دارد که بگوید «لا أدری» بزرگان گفتند اساسی‌ترین محور علم سه چیز است: وحی الهی است و گفتار ائمه(علیهم السلام) که از وحی گرفتند و «لا أدری» آن عُرضه را باید داشته باشد که بگوید من نمی‌دانم این هنر در اختیار هر کس نیست مگر همه بیماریها را ما تشخیص می‌دهیم مگر همه مشکلات را ما می‌فهمیم خیلی از جاهاست که نمی‌فهمیم اگر سالم باشیم می‌گوییم به دیگری مراجعه کنید اینکه هیچ بیماری را ما رد نمی‌کنیم معلوم می‌شود مشکل داریم یعنی همه بیماریها را ما تشخیص می‌دهیم؟! همه داروها را ما تشخیص می‌دهیم؟! این‌چنین نیست.

خب وقتی که ما در اثر قرآن‌پژوهی فهمیدیم انسان مرکب از نفس و بدن است (یک) و بدن ابزار کار روح است نه به عکس (دو) سعادت و سلامت بدن در این است که در تحت تدبیر و حوزه مدیریت روح قرار بگیرد (سه) این کارها را که در فرد انجام دادیم در خانواده انجام دادیم منتقل می‌کنیم به جامعه آن وقت بدنهٔ جامعه افرادی می‌شوند نسبت به یکدیگر مهربان و عطوف و نظام حاکم بر جامعه نظام اسلامی خواهد بود این می‌شود تمدّن دینی این می‌شود محصول قرآن‌پژوهی و تأمین سلامت فرد و جامعه در یک نظام اسلامی، می‌شود سالم. دیگر ما در چنین جامعه‌ای مشکل سوء استفاده مالی و مانند آن نخواهیم داشت و اساس کار بر این است که ما بدانیم کسی که ما را آفرید ما را می‌بیند و ما سلامتمان در سلامت روح ماست و هرگز جان بیمار، فکر سالم نخواهد داشت سلامت فکر و سلامت علم در سایه سلامت جان ماست و قرآن کریم این جان انسانی را به عنوان ودیعه الهی به ما داد و مِلک ما نکرد به حسب ظاهر این بدن را به ما داد آن مراحل نازله روح را هم به حسب ظاهر به ما داد یعنی در بخش اندیشه، وهم و خیال را به ما داد در بخش انگیزه، شهوت و غضب را به ما داد اما آن قلّه تصمیم‌گیری که عقل است آن را ملک ما نکرد آن یک چراغی است در درون ما روشن کرد که ما نه بیراهه برویم نه راه کسی را ببندیم هم در بخش اندیشه این گروه فکری و علمی به آن عقل اقتدا کنند هم در بخش انگیزه این گروه عملی به عقل اقتدا کنند. اینکه در قرآن کریم آمد عدّه‌ای به خودشان ظلم می‌کنند (مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ) این مضمون آمده است ظلم آن است که این موجود به نام الف از مرز خود تعدّی کند (یک) آن موجود خاص به نام با وارد مرز او بشود (دو) تا بشود ظلم (این سه). ما به خودمان ظلم می‌کنیم یعنی چه؟ دو مفهوم عالم و معلوم ممکن است یک جا جمع بشود یعنی انسان به خودش عالم است اما ظالم و مظلوم دو مفهوم نیست و حتماً دو مصداق می‌خواهد ما به خودمان ظلم کردیم یعنی چه؟ معلوم می‌شود یک خود داریم که لایه بالایی است و برای ما نیست و امانت است یک خود داریم لایه پایینی که به حسب ظاهر به ما دادند اینکه می‌بینید در بعضی از آیات قرآن خدا می‌فرماید اینها فقط به فکر خودشان‌اند در بخش دیگر آیات می‌فرماید اینها خودشان را فراموش کردند همین است این ما دو خود داریم دو «من» داریم یک «من» ملکوتی داریم که آن را فراموش کردیم که آن هویّت اصلی ماست یک «من» مادّی داریم که (يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ) است در جریان جبهه و جنگ فرمود هر وقت سخن از جهاد می‌شود (أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ) اینها فقط به فکر خودشان‌اند در سورهٔ مبارکهٔ حشر فرمود: (نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ) خدا اینها را از یاد خودشان برده این کدام خود است که از یادمان رفته؟ این کدام خود است که ما همه‌اش به فکر اوییم؟ معلوم می‌شود که ما یک مرحله نازله داریم که این تدبیر خوردن و آشامیدن و خوابیدن را به عهده دارد یک خود لایه بالایی داریم که این (نَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي) که با یاء متکلّم وحده مرتبط است روح الله است آن چراغ الهی است که به ما دادند به نام فطرت آن برای مدیریت داخلی ماست و مدیریت خارجی ماست ما

[Downloaded from iahj.ir on 2024-04-26]

اگر این چراغ فتیله‌اش را پایین بکشیم می‌شود (قَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا) اگر فتیله‌اش را بالا بیاوریم روشن بکنیم می‌شود (قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا) و انبیا(علیهم السلام) آمدند که «یُثیروا لهم دفائن العقول» این چراغ الهی را روشن نگه بدارند فتیله را بالا بکشند.

بنابراین طب وقتی در خدمت قرآن‌پژوهی قرار گرفت هم تشخیص می‌دهد که باید مرز خود را از مرز دامپزشکی جدا کند (یک) سلامت جامعه را در سایه سلامت افراد بداند (دو) سلامت افراد را در حوزه بدن خلاصه نکند (سه) و همه امور را در خدمت آن روح ملکوتی قرار بدهد (چهار) تا فرد و جامعه بشود سالم تا این طبّ بدنی در خدمت آن طبّ روحانی از علوم وحیانی استفاده کند که ان‌شاءالله امیدواریم برکات این همایش همان هماهنگی طبّ ظاهری و طبّ باطنی باشد بهره‌بری از قرآن کریم باشد هدایت قرآن شامل همه این آقایان بشود مهمانان بزرگواری که سخنرانی کردند یا مقاله‌ای تنظیم کردند مشمول ادعیه ولیّ عصر باشند و شما بزرگوارانی که در برگزاری این همایش سعی بلیغ داشتید کوشش شما مشکور خدای سبحان باشد و از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم که جامعه ما به برکت همین همایش ها هم بتواند از نظر بدن سالم باشد هم از نظر جان و نظام ما تا ظهور صاحب اصلی‌اش از هر گزندی محفوظ بماند ان‌شاءالله.

«غفر الله لنا و لکم و السلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته»

به نقل از:
موسسه فرهنگی تحقیقاتی اسرا
تحقیق و تدوین مجموعه آثار حضرت آیت الله جوادی آملی (مدظله العالی)

http://javadi.esra.ir/Pages/Index.aspx?view=1&id=NjI0Mg%3d%3d-3WT7LO4Lt%2bw%3d&kind=2

[Downloaded from iahj.ir on 2024-04-26]